

فیلم «غریزه»؛ عاشقانه‌ای خوش‌نما اما تهی از درون

موحد منتقم – منتقد سینما

■ گروه فرهنگ و هنر – فیلم «غریزه» ساخته سیاوش اسعدی از همان ابتدا با وعده‌ی دراماتیک یک عاشقانه‌ی پرکشش آغاز می‌شود؛ با فضاسازی‌های چشم‌نواز شمال کشور و روابط نوجوانانه‌ای که نوید یک درام عاشقانه تأثیر گذار میدهد اما ...

می‌رسد، اما نه آن‌قدر که لازم است. شیوه‌ی توسعه‌ی رابطه و تعامل میان این دو شخصیت، فاقد انسجام و منطق درونی است. در بسیاری از فیلم‌نامه‌ها، اشیاء تنها تزئین نیستند و حامل بار معنایی و سمبولیک شخصیت‌ها هستند؛ نابودی یا ناپدید شدن آن‌ها معمولاً بازتابی از سرزنشت کاراکتر و انتقال حس فقدان است. در «غریزه» اما ماشین پر از پوستر فیلم که عقب آن تبدیل به لاته کپوتر شده، نماد جهان خلوت و دنج پسر و فندکی که او به دختر می‌دهد، چمدان قرمز، سیگار و... قرار است چنین نقشی داشته باشند، اما در پایان فیلم هیچ‌گونه تأثیری بر احساسات تماشاگر نمی‌گذارند. این اشیاء صر فاج‌زنایات بصری باقی می‌مانند و نتوانسته‌اند عمق روابط یا روان شخصیت‌ها را منتقل کنند.

جالب‌ترین بخش فیلم در دقایق پایانی رقم می‌خورد. به نظر می‌رسد سازندگان تصمیم گرفته‌اند پایان‌بندی اثر را به‌گونه‌ای طراحی کنند که شوک‌آور و غافلگیر کننده باشد؛ در ظاهر هم چنین است، اما یک پایان تکان‌دهنده نمی‌تواند معایب ساختاری فیلم را پنهان کند. بااین همه، «غریزه» از نظر فضاسازی و فیلمبرداری نقطه‌قوتی آشکار دارد. قاب‌بندی‌های دقیق، استفاده از نور طبیعی و طراحی صحنه چشم‌نواز، چنان تأثیری می‌گذارد که گاهی از نقص روایت و بازی‌ها

یکی یکی گشو‌ده می‌شوند و حوادث اصلی رخ می‌دهد، اما این شتاب ناگهانی بیش از آنکه جذاب باشد، نشانه‌ی دوپارگی ساختار و ضعف در روایت است. فیلم حکایت یک «دکه» است که به‌خاطرش یک «کت» دوخته شده؛ کارگردان یک ایده‌ی جنجالی و یک‌خطی داشته و از همان ایده، یک فیلم دو ساعته ساخته است. برای اینکه در پایان فیلم به این ایده برسیم و تماشاگر غافلگیر شود، مجبوریم دو ساعت ماجراجویی کلیشه‌ای و خسته‌کننده‌ی دو نوجوان را تحمل کنیم. کش دادن این ایده‌ی محدود ضعیف‌های داستان و شخصیت‌پردازی را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد حتی یک ایده‌ی جذاب هم اگر ساختار و روایت مناسبی نداشته باشد، نمی‌تواند اثر را از تهی بودن نجات دهد.

فیلم از نظر فیلمبرداری، لوکیشن و موسیقی قابل قبول است، اما این عناصر به‌تنهایی نمی‌توانند ضعف اساسی فیلم را جبران کنند. بازی بازیگران، به‌ویژه دو نوجوان نقش اصلی، دو بعدی و تئیکال است؛ با این حال نمی‌توان بر آنان خرده گرفت، چرا که مشکل از فیلم‌نامه‌ای است که امکان بروز شخصیت‌پردازی عمیق را فراهم نکرده است. یکی از معضلات بنیادین فیلم، کار نکردن «شیمی» میان کامران و آتیه است. در معدود صحنه‌هایی این ارتباط مؤثر به نظر

فیلم «غریزه» ساخته سیاوش اسعدی از همان ابتدا با وعده‌ی دراماتیک یک عاشقانه‌ی پرکشش آغاز می‌شود؛ روایتی در دل دهه‌ی ۴۰، با فضاسازی‌های چشم‌نواز شمال کشور و روابط نوجوانانه‌ای که نوید یک درام عاشقانه تأثیر گذار میدهد اما با گذر زمان، آنچه وعده داده شده تاحدی محقق می‌شود و تاحدی هم نه و فیلم هرچه جلو میرود از زیر پوست روایت تهی می‌شود.

به سوم ابتدایی فیلم، فیلم‌ساز در تلاش است تا کاراکترهای قصه و روابط عاشقانه را به تصویر بکشد، اما در این مسیر توفیق چندانی ندارد. ریتم کندوبی تحرک فیلم در دو سوم نخست، آن را به تجربه‌ای طاقت‌فرسا بدل می‌کند؛ تا آنجا که اگر مناظر طبیعی شمال و فضا سازی زیبای فیلم نبود، تماشاای اثر دشوارتر می‌شد.

فیلم ما را مجبور می‌کند ماجراجویی‌های عاشقانه دو نوجوان را تحمل کنیم، گویی صندلی سینما کلاس درس صبر است. دیالوگ‌ها خسته‌کننده‌اند، صحنه‌ها تکراری و پیش‌بینی‌پذیر، و مانتها تماشاگر دید زن یا هیزبازی‌های پسر نوجوان و عشوه‌های دختر هستیم. در پایان، جایزه ما؟ یک تلنگر شیرین و ناکام از عاشقی نوجوانی مان که بیشتر حس «چرا دو ساعت عمرم رفت؟» را بر می‌انگیزد.

در عوض، یک‌سوم پایانی با شنایی غیرمنتظره پیش می‌رود؛ گروه‌ها



سروش صحت و پدیده سلبریتی کتاب؛ وقتی «خواندن» به نمایش بدل می‌شود

گروه فرهنگ و هنر – صف‌های طولانی برای گرفتن امضا، دوربین‌های آماده ضبط و پست‌های اینستاگرامی با هشتگ «کتاب‌دوستی» و «کتاب‌خوانی» همه چیز ظاهر از عشق به کتاب می‌گوید، اما در عمق خود نشانی از بحران معنا و وارونگی ارزش‌ها در فرهنگ معاصر دارد.

چند ده متر صف، هزاران نفر منتظر و کتابی در دست مردم که نویسنده‌شان نه پژوهشگری فرهنگی بلکه مجری بازیگری محبوب است! «تاکسی سواری» نوشته سروش صحت.

صحنه‌ای که این روزها در فضای فرهنگی ایران تکرار می‌شود، شبیه‌تر است به اکران یک فیلم پر فروش تارونمایی از یک اثر مکتوب.

صف‌های طولانی برای گرفتن امضا، دوربین‌های آماده ضبط و پست‌های اینستاگرامی با هشتگ «کتاب‌دوستی» و «کتاب‌خوانی» همه چیز ظاهر از عشق به کتاب می‌گوید، اما در عمق خود نشانی از بحران معنا و وارونگی ارزش‌ها در فرهنگ معاصر دارد.

کتاب «تاکسی سوار» نه رسالت معرفتی دارد و نه دانش افزایی. نوشته یک بازیگر است که صر فاجون چهار های شناخته‌شده است، کتابش به چاپ پنجاهم می‌رسد.

در حالی که ده‌ها نویسنده اصیل و پژوهش‌گر واقعی، سال‌ها در خلوت و تأمل، حاصل عمر خود را بر صفحه کاغذ می‌نشانند اما فروش آثارشان از چندصد نسخه فراتر نمی‌رود؛ نه چون کم‌مایه‌اند، بلکه چون «سلبریتی کتاب» نیستند.

در جهان وارونه امروز، معیار ارزش هنر و ادبیات نه عمق اندیشه، بلکه میزان فالوئر، لایک و توجه رسانه‌ای است. پدیده‌ای که به

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی

مجمع تجاری و اداری رویا مال



به اطلاع کلیه مالکین محترم مجتمع تجاری و اداری رویامال می رساند مجمع عمومی عادی سالبانه مجتمع رویامال کیش برای عملکرد سال منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰ در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۸ ساعت ۱۵:۰۰ به آدرس: هتل لیلیوم ، سالن اجتماعات ، طبقه منفی یک با دستور جلسه ذیل برگزار می گردد:

- ۱) استماع گزارش عملکرد هیات مدیره
- ۲) استماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی و تصویب صورتهای مالی
- ۳) انتخاب حسابرس و بازرس قانونی
- ۴) سایر مواردی که در صلاحدید مجمع عمومی عادی می باشد.

هیئت مدیره مجتمع تجاری و اداری رویامال

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت شش‌دانگ یک‌دستگاه آپارتمان مسکونی واقع در جزیره کیش تحت پلاک ۱۰۶۲۸ فرعی مجزی شده از پلاک ۱۰۱۴۱ فرعی از ۵۶۲۱ اصلی کیش واقع در نوار ساحلی – قطعه K۱ – دامون ساحلی – بلوک ۶۸ – طبقه همکف واحد ۱۵۲ بدوا به نام مسعود بهبهانی ثبت و صادر گردید سپس شش‌دانگ برابر سند قطعی ۶۳۶۸۲ مورخ ۱۳۸۹/۰۵/۰۶ دفترخانه ۲۶۳ تهران به نام فرح سلیمانپور بیژگردی انتقال قطعی یافته و سپس برابر سند انتقال ۸۰۹۱۱ مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۰۴ دفترخانه ۲۶۳ تهران بنام سیدمهدی فاطمی شریعت پناهی انتقال یافته و النهایه برابر سند انتقال ۱۰۴۷ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۷ دفترخانه ۱۲۱ کیش بنام سید محمد فاطمی شریعت پناهی انتقال قطعی یافت اینک نامبرده برابر درخواست وارده به شماره ۸/۱۰۱۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ منضم به دو برگ استشهادیه اظهار داشته سند مالکیت بانک ملت شعبه کیش به شماره ۵۱۹۹۹۹/الف/۰۳ بدلیل جابجائی مفقود گردیده است لذا بااستناد ماده ۱۲۰ قانون اصلاحی آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی می شود تا هر شخص مدعی معامله با وجود اصل سند مالکیت و یا سند معامله پلاک مرقوم نزد خود می باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض خود را کتبا به همراه اصل سند مالکیت و یا سند معامله به این اداره تسلیم نماید و در صورت عدم اعتراض و یا عدم ارائه اصل سند مالکیت و یا سند معامله در ظرف مدت مقرر قانونی اداره ثبت اقدام به صدور المثانی سند مالکیت خواهد نمود.

محمد اسلامی موحد – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کیش



واقعی شخصیت فاصله می‌گیرد و حس مصنوعی بودن پیدا می‌کند. در مجموع، «غریزه» فیلمی است خوش‌نما اما کم‌جان؛ اثری که می‌خواهد به تجربه‌ای عاشقانه و شاعرانه در دهه‌ی چهل پهلوی‌زند، اما زیر سنگینی روایت کند، شخصیت‌پردازی سطحی و دیالوگ‌های ناهماهنگ از نفس می‌افند.

«غریزه» با وجود ظاهر فریبنده و خوش‌نما، از درون تهی است و به سرعت از ذهن تماشاگر محو خواهد شد. فیلمی که می‌خواهد شبیه «مالنا» یا «لولیتا» باشد، اما در نهایت تنها سایه‌ای کم‌رنگ از رویایی آن فیلم‌ها باقی می‌گذارد.

طولانی برای گرفتن امضا از یک بازیگر، در حقیقت صف انتظار برای «تجربه حضور در کنار شهرت» است، نه صفی برای دست یافتن به فهم با تفکر.

مسأله این نیست که چرا یک بازیگر کتاب می‌نویسد؛ بلکه این است که چرا کتابش به چاپ پنجاهم می‌رسد و آثار نویسندگان بزرگ در سکوت می‌میرند. مشکل، ساختار فرهنگی‌ای است که به‌جای معرفت، نمایش می‌خواهد؛ به‌جای تفکر، سرگرمی می‌جوید و در این میان ادبیات مستقل و تفکر نقادانه، هر روز منزوی‌تر می‌شود. شاید در این و انفسا، باید به همان کتاب‌نویسنده‌ای اندیشید که گفت: «مشکل کجاست؟ شاید اینستاگرام!» جایی که مرز میان هنر و نمایش، دانش و سرگرمی، نویسنده و مجری درهم می‌ریزد و «کتاب» نیز از متن به تصویر تنزل می‌یابد.

ادبیات، نه در صف‌های امضا، بلکه در خلوت مطالعه زنده است. در اندیشه‌ای که آرام و بی‌هیاهو می‌رود، نه در کار ناوال‌هایی که برای چند ساعت، کتاب را به کالایی در ویرترین سلبریتی هابلد می‌کنند. شاید وقت آن رسیده باشد که فرهنگ ما بار دیگر از «نمایش کتاب» فاصله بگیرد و به «معرفت کتاب» باز گردد.

راستی، اگر قرار است هزاران نفر فقط برای گرفتن یک امضا ساعت‌ها در صف بایستند، شاید بهتر باشد ناشر محترم از همان ابتدا، اعضای نویسنده را چاپی و آماده روی صفحه‌ی اول بزند؛ تا نه وقت مردم تلف شود، نه انرژی سلبریتی عزیز. در جهانی که همه‌چیز به نمایش بدل شده، دیگر حتی «امضا» هم می‌تواند نسخه فتوکپی باشد؛ مگر نه اینکه اصل ماجرا، تماشای صحنه است نه خواندن کتابی عمیق؟

شرکت صنایع چوبی

حلاج



با ۲۵ سال سابقه فعالیت در کیش

کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل

۰۹۳۱۴۷۶۹۸۲۵۲

جزیره کیش، شهرک صنعتی درخت سبز، صنعت ششم، پلاک R۱

۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش